

# قصه منظوم

تاریخچه و ویژگیها

اسدالله شعبانی

از پیدایش ادبیات کودک در سنین ماه زمان زیادی نمی‌گذرد. با این حال در این چند دهه، تجربه‌ها و نوآوریهای زیادی در قصه و به ویژه شعر کودک، از جهت تنوع در مضمونها در وزن‌ها و قالبها، صورت گرفته است. یکی از این پدیده‌های نو، «قصه منظوم» است که هم در ادبیات مرثیه دارد و هم از جهانی یک پدیده نو ظهور است.

## قصه منظوم چیست؟

قصه منظوم شکلی ادبی است که در آن شعر و قصه در تلفیق با هم همراه با هدفهای آموزشی، تربیتی و سرگرمی از مسافتی یک زبان هنرمندانه می‌گذرند. این شکل، ویژگیهای قصه و شعر را یکجا داراست. البته قصه منظوم را در ادبیات شفاهی و زمانی که در قالب سرودهای غنائی یا حماسی منتشر می‌شدند، باید جست. بعضی از درخشانترین آنها عبارتند از: ایلاد و اودیسه از یونان، رامایانا از هندوستان، سرودهای گاتا از ایران و سپس داستانهای رزمی و بزمی شاهنامه (ختای نامک) و بسیاری داستانهای منظوم و مثنوی که در دوره اسلامی بازسرای شد. داستانهای باستانی در ایران پیش از اسلام بیشتر در برگبرنده سرگذشت پهلوانان و شاهان و پیامبران بود در تلفیق با افسانه و تاریخ رنگ غنائی - حماسی می‌گرفت. نوع دیگری از این داستانها جنبه تمثیلی داشت و از ملل دیگر گرفته شده بود و از ساختن آنها تو در تو شامل حکایتهایی داخل حکایتهای دیگر، تشکیل شده بود. مانند کلیله و دمنه و با اصل هندی که بعدها همین شیوه حکایت در آثار منظوم پارس مثل مثنوی مولوی تکرار شد.

داستانهای باستانی در ایران پیش از اسلام بیشتر در برگبرنده سرگذشت پهلوانان و شاهان و پیامبران بود در تلفیق با افسانه و تاریخ رنگ غنائی - حماسی می‌گرفت. نوع دیگری از این داستانها جنبه تمثیلی داشت و از ملل دیگر گرفته شده بود و از ساختن آنها تو در تو شامل حکایتهایی داخل حکایتهای دیگر، تشکیل شده بود.



# بارون از ساخت قصه‌ای ساده‌ای برخوردار است و در آمیزه‌ای از نماد و عناصر فرهنگ عامه اندیشه‌های سیاسی شاعر را باز می‌تاباند. تنوع ریتم و جنبه‌های نمایشی بارون نسبت به پریا و دختر ننه دریا کمتر است، اما از آنها ساده‌تر و کودکانه‌تر می‌نماید.

## منظومه‌ها:

با اینکه برخی از آثار باستانی مثل دخت آسودیک یا گاناهای زرتشت را منظوم می‌دانند اما گسترش منظومه‌ها بعد از قرن سوم هجری و با تکامل زبان دری بود که حتی بخشی از ادبیات غیرشعری را دربر گرفت.

شاید رودکی بنا به نظم کشیدن داستانهای کبکله و دمه آغازگر داستان‌سرایی منظوم باشد. پس از او از «مروزی» و دقیقی می‌توان نام برد و پس از آنها فردوسی که داستان‌سرایی منظوم را به اوج رسانید. گروه دیگری از شاعران با درونمایه عشقی داستانهای منظوم را بازسرایسی کردند. «عنصری» با منظوم کردن داستان خنگ بت و سرخ بت که ریشه‌های یودایی دارد و وارد افسانه‌های بلخ شده بود و فخرالدین اسعد گرگانی با ویس و رامین از این گونه بودند. در این گروه نیز، نظامی گنجوی با خسه این گونه منظومه‌های عشقی را به اوج رسانید.

گونه دیگری از منظومه‌ها زمینه عرفانی - اخلاقی و فلسفی داشت که گاه در قالب حکایات کوتاه بیان می‌شد. ناصر خسرو با روشایی نامه و سعادت نامه، سنایی حدیقه‌الحمیقه و عطار با منطق‌الطیر به ترتیب در این گروه جای می‌گیرند. این گونه منظومه‌های مثنوی یا مولوی به اوج رسید.

مقامه نیز گونه‌ای از شکل‌های ادبی بود که با بدیع الزمان همدانی و حمیری و در اصل از زبان عربی شروع شد و به زبان فارسی کشید و گلستان سعدی، بهارستان جامی، بوستان قانعی، گلشن صبا فراهم آمدند که از این میان، هیچکدام به جاودانگی گلستان سعدی نبودند.

## نظیره سازی

هر کدام از داستان‌سرایهای حماسی، غنائی، عرفانی و مقامه سیری طی کردند و توسط کسانی به اوج رسیدند. در این میان بودند کسانی که شیوه این اشکال ادبی را می‌ساختند که گاه از برخی جهات تازگی داشت و گاه تنها تقلیدی ناشیانه از یک اثر بزرگ بود. فرهاد و شیرین و حشی باققی، سلمان و ایسان جامی و ... از نمونه‌های موفق این شیوه‌سازی‌ها هستند.

## اندیشه گذشتگان در باره فرم

مهمترین ویژگی نگرش گذشتگان به فرم قصه، تفکیک نشدن قصه، افسانه، حکایت، حدیث و ... از، هم و مترادف دانستن آنها است. فردوسی در باره شاهنامه ابومصوری می‌گوید:

یکی نامه دیدم پر از داستان سخنه‌ای آن بر منش راستان  
فسانه کهن بود و مشهور بود طبایع ز پیوند او دور بود  
مولاناهاغلی در آغاز تیمورنامه یا ظفرنامه اشاره جالبتری دارد:  
چو دیدم در آن، قصه پر فروغ ظفر نامه‌ای یافتیم بی دروغ  
هر افسانه‌ای را که آراستم نکردم فروغ، بلکه زان کاستم

سراینده حمله حیدری داستانهای گذشته را قصه با قبل و قال می‌داند و زندگی علی (ع) را داستان می‌داند.

دواندم به هر سو بیک خیال ندیدم یکی قصه‌ی قبل و قال  
... در آن داستان هیچ جزا است نیست سرمویی آنجا کم و کاست نیست

## عصر نوزایی در ادبیات فارسی

روشنگری در ادبیات ما به شیوه اروپایی، پس از مشروطه اتفاق افتاد. در این دوره، ادبیات تخیلی romance جای خود را به رمان Novel داد. نمایشنامه به شکلی مستقل از آنچه در منظومه‌ها می‌شد جست، شکل گرفت. البته در این مسئله ترجمه چند اثر از مولیر و وجود کسانی مانند آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی بسیار تأثیر گذار بوده است. و داستان کوتاه به مفهوم امروزی نیز از جمالزاده و هدایت شروع و پایه گذاری شد. شعر نو نیز جای خود را در میان سنت‌های شعری، با کوشش‌های نیما باز کرد، هر چند مقامه نویسی متروک شد، اما منظومه‌سرایی قدیم تا ایرج میرزا ادامه یافت. زهره و منوچهر او که برگرفته از داستانهای شکسپیر بود، جای خود را یک پله پایین‌تر از منظومه‌ها باز کرد. با این حال نیما نیز با افسانه و خانه سروبل و مانی شکل جدیدی به منظومه فارسی بخشید و در این کار عناصر شعری را بر عناصر داستانی منظوم، چیرگی بخشید. حکایات تخیلی برگرفته از ادبیات شفاهی مانند آثار گذشته کبکله و دمه، بوستان، مثنوی مولوی ... در سبک دیگر دنبال می‌شد. ایرج میرزا حکایت دوشوش و عشقی برخی از فابل‌های عبید زاکانی موش و گربه، شیخ بهائی شیرو شکر یا نان و حلوا را بازپروای کرد در این میان پروین اعتصامی کسی است که پس از عبیدزاکانی در این زمینه بلندترین جایگاه را دارد. او بر همان بستر و به همان سبک، قصه‌های منظوم زیادی آفرید. یکی از ویژگیهای ارزشمند فابل‌های جدید، نفوذ و پیوند آن با فرهنگهای قومی است. به طوری که امروزه می‌توان سراغ این فابل‌ها را در زبانهای ترکی، گیلکی، طبری و ... گرفت. از این میان به ملاحظه مسته‌گو دوباره خسرو و کبکی را می‌توان نمونه آورد.

مخاطبان این گونه قصه‌ها کودکان نبودند چند ویژگی زمینه پذیرش این قصه‌ها را در دنیای کودکان بوجود می‌آورد. یکی پیوند این قصه‌ها با ادبیات روایی عامیانه، دیگری فروپاشی ساختمان ادبیات رسمی درباری و در آخر سادگی شکل و درونمایه این قصه‌هاست. بنابراین آنچه ایرج، عشقی، دهخدا، نسیم شمال به شیوه گذشتگان برای کودکان نوشته بودند، همین ویژگیها را داشت اما فاقد ساختمان کنونی ادبیات کودک بود.

می‌توان گفت در دهه نخست این قرن کسانی مثل باطنجه بان، علیتی و وزیر و پس از آنها عباس یعینی شریف، سعی در ساختن جایگاهی با هویت برای ادبیات کودک نمودند. آنان شعر، قصه، افسانه و ... را برای کودک و با توجه به دنیای کودک می‌نوشتند و می‌سرودند. آنان تلاش





می‌کردند برای سرودن شعر و قصه نوشتن برای کودکان از ذهن و زبان گذشتگان فاصله بگیرند. یعنی شریف برای کودکان ترانه می‌ساخت و برای کودکان قصه‌های منظوم می‌گفت. فری به آسمان می‌دود، میزد چراغ، گربه‌های شیور زن، پرواز جویسه نمونه‌هایی از این دست‌اند. یعنی شریف در قصه‌های منظوم خود به موضوعات زندگی روزمره پرداخت، اما زبان او زبان قدیم بود. فکر سوژه منظومه‌های او از نظر کودکان بسیار خوب بود (مانند قصه جویسه و کلاغ) و حتی کلمات ساده و کار برد عناصر قصه به ارزش کار ادبی می‌افزاید، اما از شعر در قصه‌های منظوم او جز وزن عروضی و قالب عروضی چیزی یافت نمی‌شود. زبان وابسته به گذشته و طرح بیان نوین، تناقض اصلی منظومه‌های یعنی شریف است. در ادامه کار او آذر یزدی به معرفی آثار گذشته به کودکان پرداخت و خود نیز مثنویهایی برای کودکان مثل مثنوی بچه خوب و پشه و زنبور عسل و گاو سرود. او توانایی زیادی در بکارگیری عنصر شعری از خود نشان داد. اما در مورد او نیز ذهنیت بزرگسالانه و برداشتهای ادیبانه دشوار به شکل گذشته با ذهن کودکان او در تناقض می‌افتد و جاذبه کار را کم می‌کند. نمونه این مسئله را به خوبی در مثنوی پشه و زنبور عسل و گاو می‌توان دید. در این مثنوی وزن، قالب، تعبیر شعری بزرگسالانه و سوژه کودکانه است به عبارتی بین عناصر شعر و قصه تاسی وجود ندارد.

#### ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه بخشی از ادبیات نقلی است که از دیر زمان سیر خود را با قصه گوئی سینه به سینه پیموده است. ادبیات عامیانه به مثابه خاستگاه ادبیات کودک، در جهان امروز ارزش فوق‌العاده‌ای یافته است، بخشی از آنها که توسط خود توده‌ها تولید شده‌اند، دربرگیرنده بسیاری از منتهای ریشیک و منظومه‌های کوتاه است که برخی از آنها بی‌هیچ تردیدی برای کودکان ساخته شده و پا به دنیای آنان نزدیک است. در زبان فارسی و لهجه‌های محلی ایران، گونه‌هایی از این آثار را می‌بینیم که به نظم، نثر و نمایش است. آندرسن و برادران گریم در اروپا با بهره‌گیری از همین افسانه‌های عامیانه ادبیات کودک را پایه‌ریزی کردند. اکنون نیز در سراسر دنیا و میان همه اقوام و ملل، گنجینه ادبیات عامیانه مورد توجه شاعران و نویسندگان است در ادبیات عامیانه ایران نیز غیر از منتهای و منظومه‌ها و نمایشهای کوتاه، انبوهی از ترانه‌ها، حکایات، چستان به ویژه افسانه‌ها را می‌توان یافت که بیشتر آنها به صورت منظوم و یا آمیزهای از نثر و نظم در زبانها و لهجه‌های مختلف با روایتی‌های گوناگون آمده است. از این میان می‌توان به رک زنگوله پا، موش دم برده، خاله سوسکه و... اشاره کرد که هم اکنون نیز بر سر زبان کودکان است. ادبیات عامیانه ایران در جریان مشروطه با واپس‌نشینی ادبیات اشرافی بالید وارد آثار اغلب نویسندگان و شاعران

علی کوچیکه متأثر از پریای شاملو به ویژه دخترای ننه دریاست و به همان سبک و سیاق با استفاده از جنبه‌های ادبیات عامیانه البته در سطحی کمتر، به عنوان محملی برای بیان اندیشه‌های اجتماعی و فلسفی «فروغ» سروده شده است.



دیگر و ترانه‌هایی از نوع به شب مهتاب دارد که از این میان، ترجمه و بازسازی افسانه خروس زدی و پیرهن پوی اهمیت ویژه‌ای دارد. چنانکه بیشتر گفتیم، این افسانه اصلاً از تولستی است ولی نظایر آن را در ادبیات عامیانه فارسی نیز داریم.

### به علی گفت مادرش روزی از «فروغ فرخزاد»

ابتدا صحنه‌ای ترسیم می‌شود به این شکل که علی لب حوض با ماهی، خیال می‌بافد و نویسنده با بهره‌گیری از یک ضرب‌المثل عامیانه، به طرز لطیف و آهسته آهسته اوضاع اجتماعی عصر خود را به نقد می‌کشد. علی کوچکی متأثر از برهه‌های شاملو به ویژه دخترای ننه دریاست و به همان سبک و سیاق با استفاده از جنبه‌های ادبیات عامیانه البته در سطحی کمتر، به عنوان محملی برای بیان اندیشه‌های اجتماعی و فلسفی «فروغ» سروده شده است؛ البته با این تفاوت که علی کوچکی با وجود ظرافتهای شعری و طنز پنهان اجتماعی که دارد، به لحاظ درازگویی و برخی کاستیها و دشواریهای دیگر تسلیف قصه‌های منظوم شاملو را ندارد و مورد توجه کودکان واقع نشده است.

در ادامه این جریان، گروهی دیگر از شاعران کوشیدند تا این شیوه را عمدتاً به حوزه ادبیات کودکان بکشانند و صرفاً برای آنان بنویسند. در نتیجه قصه منظوم طوفی باز پرداخته آزاد تهرانی، قصه عمه گلچین نوشته منوچهر کریم زاده و میرزا آقا عسکری و گل اومد بهار اومد از منوچهر نستانی فراهم آمد که توسط کانون پرورش فکری به چاپ رسیدند و سخت مورد توجه کودکان قرار گرفتند.

### طوفی از م. آزاد

قصه طوفی بازسازی شده یکی از منتهای زیبای عامیانه، یعنی روایت گنجشک و خوره است. این اثر به معنی واقعی کلمه هم قصه است و هم شعر عناصر شعر و قصه در آن به خوبی با هم تلفیق شده‌اند. وانگیزه از درازگویی در برخی گوشه‌ها بگذریم، نمونه یک قصه عامیانه برای کودکان می‌باشد.

### فیل و کوران از م. آزاد

گویا برگردانی است از یک متن هندی و موضوع آن در متون مولوی و یا بیشتر در حدیقه سنایی غزنوی نیز آمده و همان ماجرای تمثیلی کورها و فیل است هر یک از کوران پس از لمس اندامی از فیل، در شناخت خود به غلط قضاوت می‌کند و قضاوت در پایان به عهده کودکان گذاشته می‌شود. فیل و کوران از ریتم، بازی، تعبیر و مایه طنز برخوردار است.

### عمه گلچین از منوچهر کریم زاده

عمه گلچین اولین منظوم عامیانه برای کودکان است که همه آن بازنویسی نیست، بلکه مواردی به آن افزوده شده مینا که دخترکی است دلپسته به طبیعت، روزی پیازچه گل لاله‌ای پیدا می‌کند و در گلدان می‌کارد برای جوانه زدن گل بی‌ثباتی می‌کند؛ اما بعد متوجه می‌شود باید آن را به دشت ببرد و در کنار لاله‌های وحشی دیگر بکارد مینا این کار را می‌کند، بار دیگر که به گل خود سر می‌زند همه لاله‌ها باز شده‌اند و در کنار لاله سرخ مینا بلخند

آزادپنخواه در جریان مبارزات سیاسی - اجتماعی سالهای پس از ۱۳۲۰ هـ ش یکی او حربه‌های روشنفکرانه‌ای شد که می‌کوشیدند جنبش نوگرایی در ادبیات را به مثابه حربه‌ای مترقی در جهت آگاهی بخشیدن به توده‌های مردم به کار گیرند. در این اثنا، شاعران نوپرداز دست به تجربه‌هایی زدند که از این میان پرده دخترای ننه دریا و بارون از احمد شاملو و به علی گفت مادرش روزی از فروغ فرخزاد، آغازی برای این نوع جدید از قصه‌های منظوم دید اینان گرچه برای کودکان نمی‌نوشتند، ولی درونمایه آثارشان به لحاظ باروری از همان فرهنگ و زندگی عوام، به ذوق و سلیقه کودکان نزدیک بود و از این روی سخت مورد پسند کودکان افتاد.

### پریا از احمد شاملو

پریا قصه است و نه شعر. نه افسانه است و نه نمایشنامه در عین حال، عناصری از همه آنها را در خود دارد و بیشتر به سبب باروری از ترانه‌ها و بازیها عناصر فرهنگ نوده، از آخرین مضامین، جنبه‌های نمایشی و تغییر ریتم نیز برخوردار است. در پریا، حادثه مهمی روی نمی‌دهد و از این لحاظ ساخت و قصه‌ای بر آن حاکم نیست. صحنه‌ای ترسیم می‌شود که سه پری نشسته‌اند و زار و زار گریه می‌کنند. روبروی آنها غلامان اسیر و پشت سرشان قلعه افسانه پیر قرار دارد. راوی (پا راویان) به دلجویی پریا برخاسته‌اند و تمایلات خود را بر بنیاد مبارزات، سیاسی و اجتماعی و در نهایت، پیروزی مردم بر دپو، از راه بازی و ریتم و ... بیان می‌کنند.

### دخترای ننه دریا از احمد شاملو

دخترای ننه دریا نیز به همان روال برپایه آغازی قصه گونه، صحنه‌ای را ترسیم می‌کند که عمو صحرای دریا را به دست و پاغ منتظر آمدن پسرهایش نشسته است. پسرهای عمو صحرای برای خواستگاری از دخترهای ننه دریا به لب دریا رفته‌اند. ادامه قصه، گفتگوهای جمعی پسرهای عمو صحرای با دخترهای ننه دریای حدود است که مانع باروری باغ و صحرای (یعنی جامعه دلخواه شاعر) می‌شود. در این قصه، عناصر ادبیات عامیانه از نوع بازی نمایش، ترانه، عبارات و اصطلاحات عامیانه بکار رفته و البته در مقایسه با پریا به ساخت قصه‌های نزدیک‌تر است؛ اما تنوع ریتم و دیگر عناصر شعری در آن به اندازه پریا دیده نمی‌شود.

### بارون از احمد شاملو

نخست چند صحنه کوچک به هم پیوسته در باران وصف می‌شود و سپس پسری در بی زهره آسمان به راه می‌افتد. او از لک‌لک و هاجر خانم که عروسی دارد، در باره زهره پرس و جو می‌کند آن دو بی‌خبر سرگرم در کار خود هستند. پسرک به چهار مرد بیدار می‌رسد که کنار دیوار نشسته‌اند و در می‌یابد که زهره در مشت آنهاست. اگر آنها از جای خود برخیزند، سایه‌ها از بین می‌روند. بارون از ساخت قصه‌های ساده‌ای برخوردار است و در آمیزه از نماد و عناصر فرهنگ عامه، اندیشه‌های سیاسی شاعر را باز می‌تاباند. تنوع ریتم و جنبه‌های نمایشی بارون نسبت به پریا و دختر ننه دریا کمتر است؛ اما از آنها ساده‌تر و کودکانه‌تر می‌نماید. شاملو قصه‌های منظوم



## یک حرف و دو حرف از م. آزاد

آزاد تهرانی که بیشتر قصه «طوقی» و «فیل و کورانه» را برای بچه‌ها منظوم کرده بود، یک حرف و دو حرف را براساس نقاشیهای کتاب یک حرف و دو حرف که محمدرضا دادگر که یک کار سفارشی بود، به نظم درآورد؛ اما این امر هم از لحاظ محتوا و هم تکنیک کاری ضعیف است. درازگویی و پریشانی مفاهیم و تنگنای شاعر در استفاده از عناصر شعر و قصه به ویژه گریز از نقاط ضعف آن به حساب می‌آید. اصولاً در این قصه، عناصر شعر و قصه، با هم تناسبی ندارند و تنها نکته جالب توجه همان ریتم خوب، وجود تنوع و استفاده مناسب از زبان گفتاری است. آزاد تهرانی منظومه‌های دیگری هم دارد که برگردانهایی از آثار فرنگی است. ولی به هرحال، آثاری مناسب کودکان هستند و به جرأت می‌توان گفت که آزاد در سرودن قصه منظوم برای کودکان سرآمد همه است. او توانایی شگفت‌آوری در این عرصه دارد؛ ولی حیف، کار را جدی نمی‌گیرد و گاه پنداست از سر نقش به این کارها مشغول می‌شود.

## از پرواز از قدمعلی سزایی

از پرواز قصه‌ایست تمثیلی در قالب سیمایی که ساخت قصه‌های آن دارای مایه‌های حماسی است؛ البته در فضایی ذهنی که از این جهات، داستان ارزش کم‌انگیز را به یاد می‌آورد.

«پیر سبز باغ یعنی درخت با کمال قدرت از پرواز تن می‌زند. می‌ماند تا لایه بلبلان را در برابر باد و طوفان حفظ کند. منطبق خام بلبل که صفت پرواز را به درخت و در واقع به طرح قصه تحمیل می‌کند، از استحکام قصه می‌کاهد به علاوه، مفاهیم ذهنی و ساختار کلی سنگینی دارد. با برخورداری از ریتم مناسب، روابط روایتی مخرب و ساخت قصه‌ای در نوع خود قابل توجه است.

## ظهر روز دهم از قیصر امین‌پور

قصه منظومی با عنوان ظهر روز دهم توسط قیصر امین‌پور سروده شده که نوعی حماسهٔ دینی است. در واقع عاشورا و دلاوریهای علی اکبر فرزند حضرت امام حسین (ع) است. قصه‌های منظومی از اینگونه پیشترها نیز در ادبیات ما ساخته شده است. از جمله به داستان پستوره از منظومهٔ ایات‌کارزیران می‌توان اشاره کرد که بعد دقیقاً آن را در گشت‌اسب‌نامه به نظم کشیده و فردوسی آن را در شاهنامه جا داد. شاعر جزاینها، قصه‌های منظوم دیگری نیز با رنگ و بوی عامیانه نوشته و چاپ شده است، اما اغلب آنها سطحی و گاه به شدت بازاری است و ارزش هنری ندارد.

چندتایی نیز پیش از انقلاب، در سالهای بسیار دور توسط کسانی همچون «عمو عماده» و «رسام ارزنگی» و دیگران به نظم درآمد که برخی از آنها ظاهراً به شیوهٔ سیمایی هستند و از لحاظ زبان و بیان هم سادگیایی دارد؛ اما بیشتر برگردانی از حکایات زندگی هستند که منظوم شده‌اند و البته از عناصر شعری در آنها جز وزن یکساخت و بیان خشک، تعلیمی و شعاری چیزی نمی‌توان یافت. ارزش این قصه‌های منظوم بیشتر در قدمت آنهاست. از این نوع می‌توان به قصه منظوم مرغ سرخ پاکوتاه از «عمو عماده» اشاره کرد.



می‌زنند و به او خوش آمد می‌گویند.

قصه که مقدمه‌ای از زبان عمه گلچین شروع می‌شود، بادآور مقدمهٔ موش و گربه عید زاکانی است که تا یک ترانه عامیانه پایان می‌گیرد. در خلال متن نیز ریتم تند و متنوع با توصیفهای شاعرانه و روابط آوایی بسیار قوی شعر، نوشته را برای کودکان دلنشین کرده است طرح ساده قصه و پیامهای آموزشی و تربیتی آن از صافی قصه و شعر می‌گذرد و به طرز هنرمندانه‌ای به خوانندگان خردسال می‌رسد. بعد از این قصه‌ها تا مدتی کار تازه و خوبی در این زمینه دیده نشد. اما پس از انقلاب مجدداً قصه منظوم سزایی رونق گرفت و آثاری به وجود آمد که به چند تایی از آنها اشاره می‌کنیم:

## حسنک کجایی؟ از محمد پریان

حسنک کجایی؟ قصه‌ای است تمثیلی در قالب ظاهراً سیمایی. زمستان و یخبندان است و حسنک قصه دارد ابرهای سیاه و برف و سرما را از سرزمین خود دور کند و ...

قصه ظاهراً از شکل سیمایی برخوردار است، اما زبان و بیان خشک و غیر شاعرانه آن با سوژهٔ نه چندان تازه، همراه با کلی‌گوییهای شعارگونه آن را از لطف انداخته است.

## قصه کوچ چلچله از مسعود محمودی

قصه منظومی است که طی آن، باد آمدن پاییز را خبر می‌دهد. خرگوشی می‌شود و به درخت، درخت هم به پرستو می‌گوید و پرستو برای آوردن بهار کوچ می‌کند.

قصه از طرح خوب و مناسب و عناصر نمایشی برخوردار است. از نکات جالب آن، استفاده از دو قالب چهارپاره و منثوی است که تنوع نسبی به ریتم قصه بخشید. البته درازگویی، پایانه شعارگونه و سهیل‌انگاری در عناصر شعری به قاعده، از موارد ضعف این قصه است. به هرحال، از این متن می‌شد قصه کوتاه و کودکانه خوبی ساخت.



دو قصه منظوم نیز از نگارنده به نامهای پرطلا و سمو بادکنک فروش به همین شکل و شیوه نگارش یافته، اولی به چاپ رسیده و دومی هنوز به چاپ نرسیده است.

هر دوی آنها و قصه تمثیلی در قالب نیمایی (آزاد) و به اسبک و سیاق و سمه گلچین هستند و از عناصر ادبیات عامیانه در آنها کمتر استفاده شده است، از نگارنده قصه‌های منظوم دیگری با نامهای لاک و رنگین کمان و جوجه طلایی به چاپ رسیده است که آمیزهای از نظم و نثر و در واقع نوعی خاص از قصه‌های منظوم هستند. همچنین قصه‌هایی کوتاه در قالبهای سستی از جمله مثنوی چهارپاره، منظوم کردهام.

به ترتیب عبارتند از:

- ۱- شنگول و سنگول: که براساس مثل معروف عامیانه به نام بزک زنگوله یا در قالب چهارپاره برای خردسالان ساخته شده است.
- ۲- موش و مداد و گربه: قطعه‌ای است که طی آن مدادی در دام موش به نقاشی کردن می پردازد و ...
- ۳- خانه آهوها: یک قصه فرنگی است که بیشتر به یک منظومه کودکان می ماند تا یک قصه منظوم.
- ۴- مداد رنگی: همکاری مدادی رنگی و نقاشی مظاهر طبیعت در یک نقاشی مشترک است.

۵- مار و قورباغه: باز پردازی یکی از حکایات کلبه و دمه است.

۶- ماهیخوار حيله گوز: باز نویسی چند حکایت کلبه و دمه است. دو کتاب اخیر از کارهای اولیه نگارنده‌اند و چنانکه باید به شعر و قصه کودکان نزدیک نیستند. و بیشتر در حد همان حکایات منظوم به اسبک و سیاق قدمايي به حساب می آیند.

در سالهای اخیر از اینگونه قصه‌های منظوم، چهارپاره، و یا یکی از قالبهای سستی سروده شده، زیاد دیده می شود. برخی از آنها، از همان عناصر و فرهنگ عامیانه برخوردارند و از لحاظ سادگی در ساختار قصه و تناسب زبان و بیان با امکانات کودکان، چنان قابل توجه بوده که در سطحی وسیع مورد استقبال کودکان واقع شده است. از این میان، قصه سه قدم دورتر شد از مادر که توسط مصطفی رحمان دوست و با تأثیر از یک متن عربی (مصری) نگاشته شده است، جایگاه ویژه‌ای دارد و به همین گونه قصه هر پرنده قصه‌ای است و قصه‌های منظوم دیگری از ایشان به چاپ رسیده است که دسترسی و پرداختن به آنها ممکن نیست.

«کلاغ تشنه» و «کلاغ و کبوتر» از جعفر ابراهیمی نیز در همین حال و هوا سروده شد که اولی برگرفته از یک حکایت فرنگی است و دومی باز پرداخته یک قصه عامیانه خراسانی است.

«درخت وریشه و مرغ پاکوتاه» سروده خانم پروین دولت آبادی و تعداد قابل توجهی از قصه‌های منظوم نیز به صورت نمایش درآمد، و قابل ذکر می باشد. از این میان، قصه فردوسی و شاهنامه، از محمود کیانوش، «شهر قصه» از بیژن مفید و پیشتر «یک صحنه کوچک» از علی اکبر چنابر، «سرود جمهوری» و «نوحه جمهوری» از میرزاده عشقی و ... را می توان نام برد.

قصه‌ها و نمایشهای منظوم دیگری نیز قابل ذکرند یا دسترسی به آنها

ممکن نشد و یا از لحاظ ارزش هنری در حدی نبودند که مورد اعتنا واقع شوند. گفتنی است که تعداد قابل توجهی از قصه‌های منظوم به شیوه عامیانه یا سستی و یا آمیزهای از هر دو نوع، در هوای ادبیات رسمی و عامیانه به ویژه از فرآورده‌های ادبی دوره جدید قصه‌نویسی منظوم برای کودکان نوشته شده است به لحاظ سهل انگاری نویسنده و نگرش تجاری که داشته‌اند، در اینجا مطرح نشده‌اند. گرچه در برخی از آنها بارقه‌هایی از شعر و قصه کودکان به چشم می خورد، از جمله حسنی نگو به دست گل و ...

### انواع قصه‌های منظوم

قصه‌های منظوم برای کودکان یا در شکلهای سستی سروده شده‌اند، (بیشتر مثنوی، چهارپاره و ...) و یا در شکل آزاد که اشکالی از قالبهای نیمایی، بحر طویل یا آمیزهای از هر دو را دربردارد.

این قصه‌ها در هر دو شکل سستی و آزاد به دو گونه دیده می شوند:

الف - قصه‌های کاملاً یکدست و منظوم

ب - قصه‌هایی که نظم و نثر در کنار هم نشسته‌اند.

قصه‌های کاملاً منظوم، ممکن است از ابتدا تا آخر تغییر قالب ندهند و در ریتم یکنواختی باشند، مانند منظومه‌های یسینی شریف، یا آنکه تنوع در قالب و ریتم داشته باشند، مانند «پریا» و «قصه طوفی» و «سمه گلچین» و ... این قصه‌ها بیشتر رنگ نمایشی دارند و تنوع در ریتم و قالب به محتوای آنها کمک می کند. هر چند تغییر در ریتم و قالب در گذشته نیز دیده می شود. در آثاری مثل «موش و گربه» عبید و «موش و گربه شیخ بهائی» و ... تنوع در ریتم و قالب در قصه‌های نثر - نظم نیز وجود دارد.

باید توجه داشت که گرچه در برخی قصه‌ها، مثلها و افسانه‌ها، بندها و ایاتی به شعر می توان یافت، اما به دلیل اینکه هنوز نظم بیشترین سهم را در کل این قصه ندارد، آن را قصه منظوم نمی دانیم. برعکس، در قصه‌های منظوم، نثر در مواردی خاص و بیشتر برای راهنمایی خواننده خردسال و یا تلخیص یک قسمت از داستان وارد می شود، درحالی که نظم همچنان قسمت اصلی داستان را در اختیار دارد.

### ویژگیهای قصه منظوم

این ویژگیها در حقیقت از به هم برآمدن عناصر شعر و قصه در کنار هم و بوجود آمدن قصه منظوم است.

۱- ساخت قصه‌ای

۲- ساخت شعری

۳- ریتم

۴- زبان روایی - وصفی

۵- ترکیب و تناسب عناصر شعر و قصه

۶- گستردگی

### ساخت قصه‌ای

شاید بتوان تفاوت عمده قصه و داستان را در وجود امور غیرواقعی و خارق العاده در قصه دانست، با توجه به انکسای قصه بر توصیف ساده



حوادث. در ادبیات کودکان، قصه می‌تواند گستره وسیعتری برای تخیل خواننده و نویسنده ایجاد کند، بنابراین در قصه کودکان همه‌گونه عناصر تخیلی از نوع افسانه‌ها، تمثیل و استعاره و همین‌طور عناصر ادبیات عامیانه، می‌تواند کارآمد باشد.

### ساخت شعری

از میان اشکال شعر، شکل آزاد در ساخت شعری قصه منظوم، تناسب بیشتری با ادبیات کودکان دارد و میدان خلاقیت بازتری در اختیار می‌گذارد. شکل آزاد در قصه منظوم «پریای» شاملو شروع شد. در این شکل، شاعر می‌تواند گاه زنجیره ریم را بگسلد و با قطع مصراعها به شیوه نمایشی، کودک را به اندیشه وادارد.

### ۳- ریم

ریم که در قصه منظوم کودکان حاوی روابط آوایی کلام است، عموماً موسیقی کناری و بیرونی کلام را بوجود می‌آورد و به چند صورت کاربرد دارد. یا به صورت یک نواخت به کار می‌رود و یا به تناسب موضوع و مطلب تغییر می‌کند. تغییر ریم در قصه منظوم کودکان باید به موقع و بر اثر ضرورت باشد. برای مثال، در جایی که نوشته حالت روایی پیدا می‌کند، حتی می‌توان به نثر ابقاعی نزدیک شد و در مواردی که هیجان و اضطراب در قصه مطرح است می‌توان به تناسب ریم را تغییر داد. این تغییر ریم به ویژه اگر در دیالوگها انجام گیرد، بهتر است و جنبه نمایشی قصه را تقویت می‌کند. در هر صورت این تغییر به دو صورت انجام می‌شود: الف - تغییر ریم با خارج شدن از دایره بحر عروضی ب - توسعه وزن عروضی با بهره‌گیری از اختیارات شاعری. در حالت اول، در مواردی اندک، تغییر وزن از بحر به بحر دیگر در گذشته‌ها نیز دیده شده است؛ از جمله در موش و گویه عبید و شیخ بهایی<sup>۱</sup> و همچنین در برخی از منظومه‌ها مانند گلشن راز، منظومه‌ها و حکایات یغما جندقی، و در نمایشنامه‌های «صابر و عشق» و ... البته در قصه‌های منظوم عامیانه این تغییر ریم زیاد دیده می‌شود؛ برای مثال، در «پریای شاملو» به تناسب محتوا چندین ریم بکار گرفته شده و از این رنگارنگی جنبه نمایشی به متن داده است.

توسعه وزن عروضی در گذشته نیز در مواردی متداول بوده است؛ مثلاً در قالب رباعی و در برخی قصاید و ویژه در ترانه‌ها و قصه‌های منظوم عامیانه‌ای که توسط متأخران ساخته می‌شود، بیشتر به چشم می‌خورد.

### ۴- زبان روایی - وصفی

زبان قصه منظوم نزدیک به قصه گوئی و روایی است؛ ولی گاه زبان شعری در آن می‌آید. گوینده باید دریابد که توصیفهای شعری را در کجا و در کجا جنبه روایی را در حد گزارش از وقایع و حوادث به کار گیرد. البته توصیفهای شعری باید متناسب با متن بیاید؛ برای مثال وقتی در قصه منظوم طوفی می‌خوانیم: پرکه می‌زد نو آسمون / درس می‌شد رنگین کسبون / توصیفی زیبا و متناسب با متن آمده است و کودکان درمی‌یابند که وقتی طوفی پرنده رنگارنگ آسمان پرواز کند، رنگین‌کمانی از رنگهای او به

به جرأت می‌توان گفت که آزاد در سرودن قصه منظوم برای کودکان سرآمد همه است. او توانایی شگفت‌آوری در این عرصه دارد، ولی حیف که، کار را جدی نمی‌گیرد.

وجود می‌آید.

### ۵- ترکیب عناصر شعر و قصه

مهمترین ویژگی قصه منظوم، کیفیت ترکیب عناصر شعر و قصه با هم است؛ طوری که از آن، فرمی هنری خلق شود. قطعاً یک قصه خوب و مناسب کودکان وقتی شاعرانه بیان شود، از این فرم هنری برخوردار خواهد شد. نادیده گرفتن اصول قصه و بویژه شعر، یا بی‌توجهی به برخی از این اصول از ارزش هنری آن خواهد کاست؛ چنانکه ملاحظه شد، قصه‌های منظومی که قالب و ریم یکتواخت و محدود دارند و تنوع و جنبه‌های نمایشی در آنها رعایت نشده است، گیرایی لازم را نیافته‌اند. با اینهمه، تعریف قصه منظوم به مثابه یک شکل ادبی - هنری در ادبیات کودکان، ترمیمی است نسبی و ویژگیهای مورد اشاره در گسترده‌تر از اینهاست که گفته شد. فرم هنری یک اثر خیلی پیچیده‌تر و ظریف‌تر از آن است که بشود با فرمول و دستورالعمل آن را به شکار برد، زیرا فرم به تعبیری، چیزی نیست جز دادن خصیلت استثنایی به یک اثر هنری که در حال گسترش است، و قطعاً هر اثر هنری وقتی خلق می‌شود، فرم خاص خود دارد و پیشاپیش نمی‌توان قالبی را برای آن در نظر داشت.<sup>۲</sup>

### ۶- گستردگی

اغلب قصه‌های منظوم که با زبان محاوره، سروده می‌شود از ادبیات عامیانه مایه می‌گیرد، مخاطبان خود را در میان خردسالان می‌یابد. هم از این روی مهمیل سزایی به بازی چستان و غیره در خلال قصه جا بازمی‌کند. وجود همین عناصر گاه ساخت قصه‌ای آن را ضعیف می‌کند؛ ولی به مراحل قصه منظوم به ویژه برای خردسالان این گستردگی را دارد که بازی و سرگرمی و حتی مفاهیم آموزشی از همه نوع را با خود به همراه دارد.

۱- رجوع شود به نوشته‌های پراکنده صادق هدایت - انتشارات اسیرکبیر. همچنین مراجعه شود به کتاب افسانه‌های نمایشنامه و بازیهای کودکی جلد ۲، علی‌الطرف دروشیان - نشر روز

۲- قابل توجه است که قصه منظوم در آغاز انقلاب به چاپ رسیده است

۳- این منظومه را محمد طاهرین لوطالب در سال ۱۲۹۸ به پایان برده است.

۴- پشنگوز - پسر خردسال زویبر و درویش برادرزاده گشتاسب پادشاه ایرانی است که در جنگ با ارجاسب پادشاه تورانی شرکت می‌کند تا انتقام پدرش را از تورانیان بگیرد.

۵- رجوع شود به جنون نوشتن - دکتر رضا براصی - انتشارات اسفند